

## رساله موسیقی میرزا بیگ

### فرهود صفرزاده

مجموعه‌ای خطی از میرزاییگ به خط نستعلیق و با شماره A-۲۳۲ در مؤسسه نسخ خطی جمهوری آذربایجان EA نگهداری می‌شود. بخشی از آن، رساله قوس‌نامه است درباره فنون تیراندازی با کمان و بخش دیگر (۱۹۶-۲۳۲/۱۶<sup>a</sup>) رساله موسیقی است در هشت صفحه که هر صفحه‌اش پانزده سطر دارد. این رساله در حدود سال ۹۸۹ هـ ش (۱۰۱۸ هـ ق) نوشته شده است و اطلاعات بسیار کمی درباره نویسنده آن وجود دارد. میرزا بیگ گویا از ناحیه قُروه دَرَجَزین در شمال شرقِ همدان بوده یا مدتی در آن‌جا اقامت داشته است. در سیاحت‌نامه اولیا چَلَبی نیز نام میرزا بیگ به‌عنوان یکی از شعرا و نویسندگان ساکن تبریز آمده است که شاید همین میرزاییگ باشد. متن هشت صفحه‌ای رساله که دربردارنده نکات قابل توجهی درباره موسیقی سده ۱۱ هـ ق است، به صورت عکسی ارائه می‌شود.

### منبع:

دانش‌پژوه، «موسیقی‌نامه‌ها (۵)»، تهران، ماهنامه هنر و مردم، شماره ۱۴۹، اسفند ماه ۱۳۵۳.  
Shamilli, Gultakin (1995) MirzaBay Musigi Risalasi . Baku . Azarbayjan Nashriyyati

# صالحه و صغیر

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

اما بدانکه معینان دار الشیاطین هیچ اثر را استخراج ادوا  
 زار و ازده برج ترکیب کرده اند مثل علم میات و حکمت  
 طب و طب و نجوم و غیره از ده ازده قسم که از ترکیبات  
 این علم ادواریه دوازده دوازده برج افلاک بدو منبت  
 کرده اند و ازده مقام نام نهاده اند بچنانکه این درجات  
 از هفت کوکب سه سیاره مزین و منور است و این دواز  
 ده مقام را این هفت قسم دیگر از ترکیبات این ادوار  
 ساخته اند و هفت دوازده نام نهاده اند چون افلاک  
 این در موجودیت در مرتبه اهل اند و چهار طنفر هم فردا شب

چهارم دیگر از ترکیبات این اودار نسبت چهار  
 عظم کرده اند و چهار ششم هم مسن سفته اند و باقی  
 ترکیب و ششم اش اودار ترکیبات است که از  
 چهار عظم و جوهری باید بداند که ظم اودار بر فاعده دواز  
 ده مقام و هفت اواز و هشت و چهار ششم منسوب  
 به هشت و چهار ساعت که در بسیار دوری که منسوب  
 است و بنا کرده اند بداند که متغی و نظام عالم که اصل او ا  
 فلاك و اجام و نظام از به است که باین نسبت و  
 چهار ساعت مفصل است اما ربط و ترتیب این  
 دوازده مقام و هشت اواز و هشت و چهار ششم  
 بدقی ترکیب است اسباب رد و آژده مقام است  
 عشق را زنت بوسلک که چک عاق بزرگ رمل و چهار  
 حبیبی را دوی استهان نوامفت اواز که زنت ملک  
 نوزاد اصل شهارمانه کرد اینهم برل حصارک و حصار  
 اسباب ششم نوشته شده فصل در بیان آنکه منسوب است

بیت و چهار شنبه و پیمان هفت اواره از کدام متا  
 مست بدانکه از روج راست حسینی دود و نیم  
 پید میشود و از ترکیب حسینی رگادی و گوشت و از رگ  
 چهار نوروز دار بزرگ و ششمار و ابوسلیک نواد هوا  
 و از عشق و طاق سلک و اسما بر ترکیبات بیت و  
 چهار شنبه سینه بکار نشه آهنان و آهنانک زیرش  
 خاوران زیر گشت خشران بکار و مخالف مجاز و برایت  
 الا و احوال نوایی خشران عراق نایه سه کاه با هر شش  
 نایه طاق و برقع برز نوروز را نوایی خشران عراق  
 مرکب نوروز را بر فکر بزرگ بنیشت بودک سز کارها  
 دتر و دیج نواد و زنج / از اینه انگار کرد اینده و ابوسلیک  
 مخیر و حسینی مخفی روی طسراق لبهر حسینی  
 چ طاق نهادن و خرتارک بمایون هفت حصارک  
 بزرگ چهارچ در پیمان انکه بهشت ترکیب از کدام  
 ترکیب پید میشود و انکه امت که از راست



بنیاد کنند و فرد ایند و از راست پنجگاه بسته آهنمان  
 اندت که آهنمان بنیاد کنند و فرموده ایند و در خانه  
 سه گاه قرار گیرند آهنمانک اندت که آهنمان پینار  
 کنند و فرود ایند و در خانه پنج قرار دهند زیر کشتی  
 و از آن اندت که حسینی بنیاد کنند و در خانه رهاوی قرار  
 دهند و حجاز اندت که حسینی بنیاد کنند و در خانه را  
 ست قرار دهند مخالف حجاز اندت که پنج بنیاد کنند و در  
 ایند و در خانه رهاوی قرار دهند راحت الارواح اندت  
 از روی مرتب تر بر سه گاه بنیاد کنند و در خانه  
 طاق فسر و ایند نوای شیران اندت که نو ایند  
 کتبه و فسر و ایند در خانه ققایی روی قرار دهند  
 حسان مویم اندت که طاق بنیاد کنند و در ایند  
 در خانه مجاز مویم قرار دهند و در خانه شاق تمام نمایند  
 و فرود ایند در کارخانه قرار دهند و الت مرقع اندت  
 که از راست تمام نمایند و قرار دهند و در خانه مویم

قسار دهنه زمزم است که نواز زینب دکنه و در  
 خانه ربای قسار دهند و نواز را وی است که بنیگاه  
 بنیاد کنه و فرود اینده و بیگاه مرکب نواز است  
 است که بنیگاه بنیاد کنه و در خانه دوگاه قسار دهند  
 زیر افکن بزرگ است که در خانه بزرگ سه گاه بنیاد  
 و در خانه مویه قسار دهند سارکار است که خانه سه گاه  
 تمام نمایند و در مویه قسار دهند و نهادن روی است که  
 حجاز بنیاد کنند و در قسار دهند کردینه بخار است  
 که کردینه بنیاد کنند و در خانه مویه قسار دهند کردینه بو  
 سلیم است که کردینه ار روی نوسلیک بنیاد  
 کنه و در تیر قسار دهند مجر است که ار روی بزرگ  
 دوگاه بنیاد کنه و فرود اینده از روی حبیبی و دوگاه  
 دهند و حضای است که چهارگاه بنیاد کنه و در خانه  
 دوگاه فرود اینده و ریخاق است که سه گاه بنیاد  
 کنه و در ریخاق فرود اینده سهر است که بنیاد



و فرود آید و از روی عصار در نوله قرار دهند چینی  
 حج است که از خانه متحرک چینی روند و در خانه حج فرود آید  
 طاق است که در خانه چینی بنیاد کشته و فرود و در خانه  
 چهار قرار دهند نهادن است که چهار بنایند و فرود آید  
 و در ترکیب چهار قرار دهند همسفر که ز نوله بنایند و در  
 وی فرود آید عصار ک است که از روی چینی سه گاه  
 بنیاد کشته و فرود آید از روی اسفهان سه گاه قرار دهند  
 عصار ک اوخ است که سه گاه بنایند و فرود آید و در  
 چهار قرار دهند بزرگ است که از روی عصار ک فرود  
 و در مقام بزرگ قرار دهند چهار گاه حج است که چهار گاه  
 بنیاد کشته و فرود آید و در حجم قرار دهند چهار گاه است  
 که دو گاه بنیاد کشته و در حج قرار دهند هفت است که حجر  
 بنیاد کشته و در چهار قرار دهند و در ایل است که سه گاه  
 بنیاد کشته و در دو گاه قرار دهند بیست و یک است  
 که دو گاه بنیاد کشته و در مویه قرار دهند سران از است

که چهارگاه بزرگ مجاز موسیه پنجگاه را موسی هنوت  
 غزال جمع زنده فصل در بیان آنکه ضرب کد است و از  
 ضرب که ام ضربها پر دهن جایبید بر آنکه ضرب اصل آنکه  
 شش است از آن سه ضرب دیگر حاصل میشود و بر  
 فتن ترکی ضرب ساسی فاضله ضرب سه اند از چهار  
 ضرب بخاری همی رد دیگر از ضرب که اصل شش است  
 از آن ضرب دیگر حاصل میشود و از ضرب قیصر نیز طریقی  
 ضرب شش محض خفیف ضرب چهار ضرب شش بر آنکه  
 استادان موسیقی را سه مرتبه قرار داده اند و هم یکی را  
 نامی نهاده اند اول قبل دوم مع سوم بعد اما قبل  
 اندت که اول ضرب زنده مد مقام اندر مد داشت  
 به و چهار شنبه دو شبیه بر مقامی را است تا چهار عینی  
 بر مقامت بر تر دوگاه اند فرشتی با بحر مقام را است  
 پنج رنج گاهت شریع لازم شد در اینجا برت  
 مجاز اندر یکی تحمل مژدار سه گاه است و در صابر



آن تخلص را مار حراق حشرت افزایت مغرب  
 کبی روی حراق دکاه مخصوص نوارا گافسته از وی  
 در جهان نشور بود نوروز خارا افرع مامور جرسازی  
 برده عشاق را ساز نهم دهم ز این و در اوج انداز  
 بزرگ آید جو فحش ساز کرده نمایونی هفت از وی  
 دوبرده مقام کوچک اندوای نوالی که در رک دنیای بیت  
 قای نوالی بوسلیک از برد ب ز خشر از و ب راداده  
 آواز نور از صنها کیس کو کرده اکا دیه نوروز و زلف  
 که برد راه بس از رنگوله اندر بنه نوال نمایه چادر  
 گاه انگاه امال به نوروز را وین شغوب مامر به نو  
 روز بخ برد از دل ارا و در مرغ از بهر یک اصی و دوات  
 کنون باید بر شخصیتن چنان مافست